

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «وقف»

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۶۳

تاریخ: ۱۳۹۳/۵/۵



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

بررسی مفهوم «وقف»

مؤلف:

اسماعیل آجرلو

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۶۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۵/۵

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۴.....	چکیده
۵.....	درآمد
۶.....	۱- واژه شناسی و مفهوم وقف
۷.....	۲- مفاهیم مشابه
۷.....	۱-۲- حبس
۹.....	۲-۲- نهادهای مشابه وقف در سایر نظامهای حقوقی
۹.....	۱-۲-۲- اِندومنْت، بخشش منافع (Endowment)
۹.....	۲-۲-۲- تراست (Trust)
۱۰.....	۳-۲-۲- موسسه خیریه (Foundation)
۱۰.....	۳- پیشینه وقف و نهادهای مشابه
۱۱.....	۳-۱- تاریخچه وقف در جوامع مختلف
۱۲.....	۴- انواع وقف
۱۳.....	۵- مبانی فقهی استقلال نهاد وقف
۱۳.....	۵-۱- اوقاف بدون متولّی
۱۳.....	۵-۲- اوقاف دارای متولّی

- ۶- وقف در نظام حقوقی ایران ۱۴
- ۱-۶. قانونگذاری و سازمان اداری وقف در ایران ۱۵
- ۲-۶. استقلال وقف در جمهوری اسلامی ایران ۱۶
- جمع بندی ۱۷
- منابع جهت مطالعه بیشتر ۱۸
- منابع ۱۹

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی مرکز تحقیقات شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام‌سازی اسلامی برداشته شود.

(وقف، الوقف، Endowment)

چکیده

نهاد وقف یکی از نهادهای منحصر به فرد حقوقی در اسلام است که دارای ابعاد گوناگون فقهی-حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. دولت اسلامی با کمک عموم مردم می‌تواند موقوفات را به گونه‌ای سازماندهی و جهت‌دهی کند که به عنوان یک منبع مالی بتوان از آنها برای از بین بردن فقر و محرومیت و گسترش عدالت اجتماعی و دستیابی به اهداف متعالی حکومت اسلامی بهره برد. در این نوشتار به دو بعد خصوصی و عمومی وقف با محوریت نقش و جایگاه نهاد وقف در نظام حقوقی کشور، به ویژه در عرصه حقوق عمومی و نسبت وقف با حکومت اسلامی پرداخته می‌شود. این تحقیق به استقلال نهاد وقف از یک سو و لزوم ایجاد تعامل با دولت اسلامی از سوی دیگر خواهد پرداخت و با این رویکرد به بررسی موضوعات می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

وقف، حقوق اسلامی، حکومت اسلامی، عدالت، حقوق عمومی

درآمد

نهاد حقوقی وقف یکی از مصادیق بارز احسان و ایثار است که انسان با بهره گیری از احکام الهی و تعالیم انبیاء آن را از دیرباز بنیان نهاده و نشان دهنده ارتباط وثیق نظام حقوقی با سایر جهات زندگی انسان است. در وقف دو بُعد خود دوستی و نوع دوستی انسان به منصفه ظهور می‌رسد. یکی از هنرهای اسلام به منظور نفوذ بیشتر کلامش در انسان استفاده از خود دوستی انسان (حب النفس) است که در وقف نیز از آن استفاده کرده و عضویت در این نهاد را راهی می‌داند که در آن نام انسان و مالکیت اموال و دارایی‌های او تا ابد تضمین می‌شود. بعد نوع دوستی وقف به قدری اهمیت دارد که به مسلمانان محدود نمی‌شود و فقهای همچون محقق حلی در کتاب (المختصر النافع)^۱ بهره‌مندی غیر مسلمانان را هم از موقوفات جایز دانسته‌اند. شاید متداول ترین نقش وقف را بتوان در رویکرد اقتصادی آن مشاهده کرد. اسلام که دین عدالت و اعتدال است نظام اقتصادی برتری از جانب خداوند و مطابق فطرت و طبیعت بشر آورده است که با تربیت بسیار مؤثر خود محیطی اسلامی می‌سازد که در آن سادگی، ایثار و انفاق ثروت‌های شخصی از راه وقف، حبس، هبه و غیره نه تنها ملاک برتری است، بلکه عبادتی بزرگ نیز محسوب می‌شود. در واقع وقف تبدیل مالکیت خصوصی به نوعی مالکیت عمومی است که بسط آن از ابزار مهم دستیابی به تعادل اجتماعی است. (آجرلو، کوشکی، ۱۳۸۷: ۳۱۷-۳۱۸) اما ویژگی منحصر به فرد وقف آن است که همه این خصوصیات در بستری حقوقی و مبتنی بر نظام حقوق اسلامی نمودار گردیده است. بررسی این نظام خاص حقوقی که ضامن اثربخشی وقف است در دو بعد روابط خصوصی و جنبه عمومی با نگاه ویژه به ارتباط آن با حکومت اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است.

این پژوهش علاوه بر ارائه تعاریف و مفاهیم مشابه، پیشینه و... محور اصلی خود را بررسی استقلال نهاد وقف، جایگاه حقوقی و تعامل آن با حکومت اسلامی قرار می‌دهد.

با توجه به این ابعاد، تحقیق حاضر در راستای رسیدن به تحلیلی حقوقی-فقهی از نقش نهاد وقف در عرصه خصوصی و عمومی جامعه، در دو قسمت عمده، پیشینه، تعاریف و مفاهیم فقهی و حقوقی و همچنین آشنایی با نهادهای مشابه جهانی را در کنار بررسی نظام

۱. محقق حلی، (بی تا) المختصر النافع، نشر سیدالشهدا، قم.

حقوقی نهاد وقف در حکومت اسلامی، ارائه می‌نماید.

۱- واژه‌شناسی و مفهوم وقف

«وقف کلمه‌ای عربی است که در لغت به معنای محدودیت و ممنوعیت و ایستادن به کار می‌رود در اصطلاح فقهی نگه داشتن و حبس کردن عین ملک است بر ملک واقف آن و مصرف کردن منفعت آن در راه خدا» (معین، ۱۳۸۱: ۱۱۷۵) در برخی متون فقهی نیز «حبس کردن اصل مال و اطلاق منفعت» آورده شده است.^۱ (محقق حلی، بی‌تا: ۴۵۳) بعضی از فقها گویند: «حبس عین است بر ملک خدای تعالی، بنابراین ملکیت آن از مالک آن به خداوند منتقل می‌شود.» (صاحب جواهر، بی‌تا: ۱۴) علامه حلی در کتاب تبصره المتعلمین می‌گوید: «وقف آن است که اصل مال را نگهدارند و تا هست منافع آن را در راه خیر صرف کنند» (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۱۱) عده‌ای نیز این تعریف را منبعث از حدیثی می‌دانند که از نبی اکرم (ص) در جواهر الکلام نقل شده که فرمود: «اصل مال خود را حبس کنید و منافع آن را رها سازید»^۲ تحبیس یعنی حبس کردن چیزی از طرف مالک آن به نحوی که فروش آن ممنوع باشد، به ارث منتقل نگردد، قابل هبه نباشد، فروخته نشود و به رهن و اجاره و عاریت و از این قبیل داده نشود. (المحقق السبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۲۲) «تسبیل المنفعه» یعنی صرف کردن منفعت مال (درآمد) در جهتی که واقف تعیین کرده است.^۳ مرحوم شیخ طوسی نیز در کتاب ارزشمند المبسوط همین تعریف را برای وقف پذیرفته است.^۴ (شیخ طوسی، بی‌تا، کتاب وقف) در قرآن مجید آیه‌ای که بر وقف و احکام فقهی آن صراحت داشته باشد وجود ندارد، ولی می‌توان از باب اولویت با آیات مربوط به «احسان و انفاق»، «قرض الحسنه»،^۴ «تعاون» و «صدقه»^۵ به جواز و بلکه استحباب وقف استدلال کرد؛ (طباطبایی، بی‌تا، ۵۸۷)

وقف در فقه اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که از میان آن‌ها دو ویژگی یعنی «ثبات و

۱. تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه

۲. حبس الاصل و تسبیل المنفعه

۳. فالوقف تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه و جمعه اوقوف و اوقاف.

۴. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» آیه ۹۲ سوره آل عمران

۵. الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا خَيْرٌ أَمَّا^۱ آیه ۴۶ سوره کهف

دوام»، و «استقلال» از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر اساس ویژگی اول، وقف اقتضای ماندگاری داشته و هرگونه تغییر و دگرگونی در آن برخلاف اصل اولی است، و بر طبق ویژگی دوم، نهاد وقف چون از استقلال برخوردار است، صرفاً بر اساس نظر واقف، تحقق یافته و استمرار می‌یابد.

وقف، احسانی است که بر اساس انگیزه‌های خیرخواهانه شخص انجام می‌گیرد، و چون مبتنی بر تکلیف دینی و یا الزام قانونی نیست، لذا صرفاً با تقویت حسن خیرخواهانه و جلب اعتماد مردم، قابل توسعه است. از این رو «استقلال وقف» و تعهد حکومت‌ها به صیانت از آن، بیشترین سهم را در گسترش وقف دارد. در فقه عامه، وقف جنبه حکومتی بیشتری دارد و چون دولت‌های مشروع در نزد عامه، چنین حقی را در نظارت بر اوقاف برای خود قائل بودند، لذا همین اختیارات به متون فقهی آنان نیز سرایت کرده است. در عین حال، بسیاری از علمای عامه نسبت به دخالت دولت‌های خود در اوقاف اعتراض داشته‌اند. ماوردی هم هر چند حکومت اسلامی را برای نظارت بر اوقاف عامه، ذی حق می‌داند، ولی چنین کاری را از اختیارات ویژه عالی‌ترین مقام قضائی می‌شمارد که در «ولایة المظالم» انجام می‌شود. (ماوردی، ۱۹۶۸م: ۱۳۲) در نزد علمای شیعه نیز نظرات متفاوتی در این خصوص ارائه شده است ولی به هر حال اصل استقلال به عنوان اصل اولیه نزد آنها پذیرفته شده است، اما در عین حال زمینه‌های مناسبی از تعامل با حکومت اسلامی نیز در این مبانی فقهی به چشم می‌خورد که در بخش‌های آتی به آنها اشاره می‌گردد.

۲- مفاهیم مشابه

مفاهیم مشابه وقف را می‌توان در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی با مفهوم حبس و در نظام‌های حقوقی غربی با اصطلاح Endowment و Trust و Foundation شناخت.

۱-۲. حبس

«حبس» در لغت به معنای بازداشتن، واداشتن و «تحبیس» نیز به معنای «اصل چیزی را در ملک خود داشتن و ثمره آن را در راه خدا وقف کردن» آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ذیل واژه حبس) حبس در اصطلاح فقه عبارت است از این‌که فردی، عینی معین از ملک خود را برای جهتی معین از جهات خیر، مانند حبس ملکی برای فقرا یا علما و یا برای شخصی معین، حبس کند؛ بدین‌گونه که منافع آن - برای همیشه یا مدتی معین - در آن

جهت یا برای آن عنوان یا شخص صرف گردد. (السید محمد سعید الحکیم، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۵۵) فلذا از ویژگی های عقد موجد حق انتفاع (حبس) آن است که عین مال از ملکیت مالک آن خارج نمی شود، بلکه تنها حق استفاده و بهره برداری به دیگری واگذار می گردد که این عقد می تواند معوض یا مجانی باشد.^۱

حبس بر دو گونه است، حبس بر جهتی از جهات خیر، مانند کعبه معظم، مساجد و مشاهد مشرفه و حبس بر شخصی معین یا عنوانی عام، مانند فقرا. بنا بر تصریح بسیاری، آنچه وقف آن صحیح است، حبس آن نیز صحیح است. بنا بر این، حبس تنها در عینی صحیح است که با بقای آن انتفاع از آن امکان پذیر باشد. از این جهت حبس آب برای نوشیدن صحیح نیست (المحقق السبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۲۶) هرچند این دو مفهوم شباهت هایی دارند اما تفاوت های حقوقی قابل توجهی نیز میان وقف و حبس وجود دارد. در وقف بنا بر مشهور، عین از ملک واقف خارج می شود و یا بنابر قول دیگری، موجب ممنوعیت مالک از همه تصرفات می گردد؛ هر چند از ملک خارج نمی شود؛ اما در حبس، عین در ملک مالک می ماند و وی از تصرفات غیر مزاحم با استیفای منفعت ممنوع نمی گردد؛ از این رو، فروختن عین حبس شده جایز است. (سید عبدالاعلی سبزواری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۶) البته بنا بر قول به خروج عین از ملک در حبس دائم آن بر جهات خیر، این تفاوت در این نوع حبس منتفی است. (محمد مکی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۸۲) همچنین در وقف، دائم بودن شرط صحت آن است؛ اما حبس به صورت موقت نیز صحیح است. (الشهید الثانی، بی تا، ج ۵: ۳۵۳) سومین تفاوت بارز آن دو در این است که در وقف، درج شرط عوض بر خلاف مقتضای عقد است؛ فلذا هم شرط و هم وقف باطل است، لیکن درج این شروط در عقدی که حق انتفاع را ایجاد می کند، خلاف مقتضای عقد نمی باشد و لذا انعقاد آن به شکل معوض یا با شرط عوض صحیح است. (شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۳۸)

۱. جهت مطالعه و دسترسی به منابع بیشتر:

[http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%AD%D8%A8%D8%B3_\(%D9%88%D9%82%D9%81_\)](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%AD%D8%A8%D8%B3_(%D9%88%D9%82%D9%81_))

۲-۲. نهادهای مشابه وقف در سایر نظامهای حقوقی

نهادهای حقوقی از جمله وقف به لحاظ ساختاری و شکلی در نظام های مختلف حقوقی دارای ویژگی های منحصر به فردی هستند که متفاوت از نهادهای مشابه در نظام های دیگر است، اما بسیاری از این نهادها در نوع کارکرد و اهداف خود دارای وجوه مشابهی هستند که می توان به لحاظ محتوا آنها را نهادهای متناظر یا مشابه تلقی نمود. از آنجا که وقف بر پایه احسان و نیکوکاری بنا شده است لاجرم می تواند از این لحاظ مسأله ای انسانی و جهانی تلقی شود که با تفاوت هایی در شکل نظام حقوقی، دارای بدیل هایی در سایر کشورها می باشد که در ادامه به برخی اشاره می شود.

۲-۲-۱. اِندومنْت، بخشی منافع (Endowment)

معنای لغوی آن هبه یا بخشش است و اصطلاحاً یعنی کمک خیرخواهانه فرد یا نهاد در قالب پول یا دارایی یا هرگونه منبع درآمدی دائمی به بنیاد خیریه یا بیمارستان و... به تعبیر دیگر سرمایه گذاری دائمی و مصرف کردن سود ناشی از آن در امر خیر است. این نهاد نزدیک ترین مفهوم به وقف در اسلام را دارد. این نهاد و همچنین موسسات خیریه بنا به علل دینی از گذشته در اشکال متفاوتی وجود داشته اند. شکل کنونی این سازمان ها البته به صورتی ساده تر، به سال ۱۶۰۱م و کشور انگلستان برمی گردد، اما ظهور اصلی آنها مربوط به سال ۱۸۸۰ م و ایالات متحده آمریکا است که پیشگام این موضوع در جهان غرب است. (محمد عبدالحلیم عمر، ۱۳۸۹: ۱۱۷)

۲-۲-۲. تراست (Trust)

معنای لغوی آن اعتماد و صندوق سرمایه گذاری است. مفهوم این واژه در ارتباط با وقف عبارت است از انتقال مال منقول یا غیر منقول که مالک آن، تسلط قانونی بر آن را به فرد دیگری (امین) واگذار می کند و او متصدی مدیریت و سوددهی آن مال می گردد تا به دست استفاده کنندگان از آن مال که مالک مشخص نموده است برسد. تراست به دو بخش تراست خاص (جهت استفاده افراد معین) و تراست خیریه^۱ (تحقق منفعتی عام مثل مدرسه و...) تقسیم می گردد. (مصری، ۱۹۸۵: ۳۹-۴۲) ظهور تراست از سده های میانه در انگلستان آغاز شد. مهم ترین دلیل تاریخی پیدایش این نهاد آن بود که حکمرانان بر انتقال املاک

فئودال‌ها به وارثانش مالیات‌های هنگفتی می‌بستند. به خاطر جبران این مالیات‌ها از سده دوازدهم میلادی چنان شد که مالکان نزدیک‌ترین دوستانشان را که قابل اعتماد بود انتخاب می‌کردند و به او حقوق مالک قانونی را در خصوص اموالشان می‌دادند، در مقابل آنکه او تعهد بدهد مطابق با شروط عقدی که «عقد منافع» نام نهاده شد، منافع این اموال را به وارثان مالک بدهد. در دوران هانری هشتم که خود نیز جزء مالکان بود، در سال ۱۵۳۶م قانون منافع تصویب شد. این قانون راه فرار مالکان از مالیات‌ها را بست. در نتیجه ناگزیر به عقد تراست پناه بردند. مطابق این عقد، فرد امین، مالک قانونی مال می‌شد؛ و برای تأکید بر حسن نیت، تراست خیری به وجود آمد که غیر ورثه به‌ویژه تنگدستان و نیازمندان را هم در بهره‌بری از مال تراست شریک می‌کرد. (مصری، ۱۹۸۵: ۲۹-۳۷)

۲-۲-۳. موسسه خیریه (Foundation)

که در لغت به معنای مؤسسه، بنیاد و نهاد است و در استعمال عام آن رژیمی سازمانی است که اقداماتی تجاری یا دولتی یا آموزشی یا خیریه انجام می‌دهد، اما به معنای خاص، عبارت است از اختصاص دادن دائمی اموالی برای بنیادی عمومی و غیر انتفاعی با اهدافی خیرخواهانه و بشر دوستانه یا به عبارت دیگر سازمانی است مبتنی بر وقف برای حمایت از مؤسسات خیریه، و در تعریفی دیگر صندوقی است دائم برای جمع‌آوری پرداخت‌های داوطلبانه جهت اقدامات خیر و فعالیت‌های دینی، آموزشی، پژوهشی و...، یا بنیادی که به دانشکده‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و سازمان‌های خیریه کمک‌های مالی می‌کند. در قانون مدنی فرانسه تعریفی از وقف نشده است و نامی هم از آن برده شده است، لیکن ماده ۱۸ قانون مدنی مصوب ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۳ فونداسیون را چنین تعریف کرده است: عمل حقوقی که به موجب آن فرد یا افراد حقیقی یا حقوقی اموال یا عوایدی را دائماً به صورت غیر انتفاعی در اختیار منافع عمومی قرار می‌دهند. (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۵)

علیرغم تفاوت‌های موجود، شباهت این چند اصطلاح با وقف آن است که همگی بر پایه یک مال دائم فعال، مبتنی هستند که درآمدش صرف اعمال خیریه می‌شود.

۳- پیشینه وقف و نهادهای مشابه

مفهوم وقف به دلیل سرشت انسانی و الهی آن دارای سابقه طولانی در تاریخ جوامع می‌باشد که ذیلاً به آن اشاره می‌شود و سپس به تاریخچه سازمان و نهاد متولی وقف و

تحولات آن در سرزمین های اسلامی و در کشور ایران می پردازیم.

۳-۱ تاریخچه وقف در جوامع مختلف

هر چند قبل از اسلام وقف به معنای دقیق کلمه و به شکل نهاد حقوقی کامل وجود نداشت، ولی انواعی از تخصیص اموال و املاک به معابد و امور خیریه و افراد وجود داشته که از جهاتی شباهتهایی با وقف داشته‌اند. «حبس پیش از اسلام نیز معروف بوده گرچه به نام حبس یا وقف نامیده نمی شده است.» (الکبسی، بی تا: ۳۷ - ۳۸). امت‌ها با اختلاف ادیان و اعتقاداتشان با انواعی از تصرفات مالی آشنا بودند که از حیث مفهوم دور از حدود معنای وقف اسلامی نبود. اوقاف ابراهیم خلیل (ع) که تا امروز نیز باقی است خود بهترین دلیل بر وجود وقف قبل از اسلام است. (نجم الدین الطرسوسی، بی تا: ۱۶۸)

«سنت وقف ویژه کشورهای اسلامی و شرقی نیست، در کشورهای غربی و حتی نقاط دورافتاده جزایر استرالیا و آفریقا و در میان سرخپوستان آمریکای جنوبی مفاهیم مشابهی وجود داشته است و این اقوام برای معابد، پرستشگاهها، کلیساها، صومعه‌ها و دیرهایشان موقوفه‌هایی را اختصاص داده بودند. به ویژه در مصر باستان و یونان و چین و ژاپن و روم و بابل و فلسطین قبل از اسلام نیز موقوفاتی وجود داشته که برای جریان کار معابد و صومعه‌ها و بازسازی آنها و گذران زندگی اسقف‌ها، برهمن‌ها و کاهنان از درآمد آن بهره می گرفته‌اند و خود نیز آن را سرپرستی می کردند و به دانش آموزان مدارس وابسته به معابد خدمات لازم را می دادند. آن هنگام که مسیحیت به عنوان دین رسمی مطرح شد وقف نیز در این آیین موجودیت یافت، در انجیل مقدس و رساله حواریون عیسی مسیح (ع) همچون رساله پولس نیز مطالبی راجع به وقف وجود دارد.» (ویل دورانت، ۱۳۹۰: ۵۷۱)

در ایران باستان زرتشتیان دو واژه پهلوی هوداگ و هودَهک به معنی «دهش نیک» را «وقف» ترجمه کرده‌اند. وقف در میان اقوام آریایی به سه صورت بوده است. نخست آشوداد: آشو به معنای در راه دین و داد از فعل دادن و به معنای بخشیدن است و کلاً معنی بخشش ملک، جامه و غذا در راه خدا می دهد. دوم نیاز که عبارت است از خریداری و تقدیم وسایل و لوازم به معابد و آتشکده‌ها مانند فرش، چراغ؛ و سوم گهنبار که عبارت است از جشن هایی که پس از مراسم دینی برگزار می شده و طی آن خوردنی و پوشیدنی میان نیازمندان تقسیم می شده است. (امیدانی، ۱۳۷۴: ۹۹-۱۰۰) اما کامل ترین شکل این سنت الهی در احکام و فقه اسلامی مطرح شده است که از همان ابتدای ظهور اسلام توسط

پیامبر اکرم (ص) و صحابه ترویج یافته است و تا کنون در جامعه اسلامی باقی مانده است. به لحاظ نحوه اداره اوقاف و نهادهایی برای اوقاف نیز باید گفت که سازمانی تحت نام «اوقاف» پدیده‌ای صرفاً متعلق به این زمان نیست و پیشینه‌اش در قرون دورتر است. تا جایی که اطلاعات یاری می‌کند، سامانیان نخستین حکومتی بودند که در قرن چهارم هجری تشکیلاتی اداری به نام دیوان اوقاف به وجود آوردند که به کار مساجد و اراضی موقوفه رسیدگی می‌کرد. در دوره ایلخانان مغول تشکیلات منظمی برای اداره موقوفات به نام حکومت اوقاف وابسته به دیوان قضا بود که تحت نظارت قاضی القضات عمل می‌کرد. سپس در دوره صفویه تشکیلات مستقلی برای اداره موقوفات به وجود آمد که در همه شهرها نماینده‌ای به نام وزیر اوقاف داشت. (بزرگی، ۱۳۷۳: ۱۱۰-۱۱۱) در دوره معاصر نیز در سال ۱۲۸۹ش «قانون وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» و در سال ۱۳۰۷ش قانون مدنی به تصویب رسیدند که شامل قوانین وقف می‌شدند و متناسب با آن سازمان‌های اداری نیز تشکیل گردید.

۴- انواع وقف

مهمترین تقسیم‌بندی در خصوص انواع وقف که دارای اثر حقوقی نیز می‌باشد تقسیم آن به وقف عام و خاص است که با توجه به نوع موقوف علیهم یا کسانی که از وقف استفاده خواهند نمود، صورت می‌گیرد. مطابق این تقسیم‌بندی، اگر مصارف موقوفه مخصوص دسته یا طبقه معین نباشد آن را وقف عام گویند و اگر مخصوص دسته یا طبقه معین باشد خاص است. خاص تلقی شدن وقف دارای آثار مخصوص به خود است؛ از جمله اینکه باید خود موقوف علیهم وقف را قبول و موقوفه را قبض و در صورتی که متولی تعیین نشده باشد آن را اداره کنند. (امامی، ۱۳۷۵، ۶۱-۶۳) در دستورالعمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مصوب ۶۵/۳/۲۷ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، وقف عام و وقف خاص چنین تعریف شده است:

«وقف عام، وقفی است که در جهت و مصالح عمومی یا عناوین عامه باشد مانند وقف بر مساجد، مدارس، تعزیه داری، اطعام، دارو و درمان، کمک به فقرا، ایتم و غیره، موقوفاتی که وسیله اقلیت‌های دینی برای معابر و امور عام المنفعه اختصاص یافته وقف عام تلقی می‌شود.» (بند ۲) «وقف خاص وقفی است برای شخص یا اشخاص معین و محصور، مانند

وقف بر اولاد و احفاد.» (بند ۳)

وقف عام نیز به دو رویه عمل می‌شود: الف) وقف انتفاعی: هنگامی که منظور واقف از وقفی که کرده به دست آوردن درآمد نباشد و استفاده از آن عامه باشد؛ مثل وقف بر مسجد، ساختن پل، مدرسه و غیره. ب) وقف منفعتی: وقفی که در آن منظور واقف از وقف مال به دست آوردن درآمد باشد تا در عناوین عامه خرج شود که امین یا متولی وظیفه دارند برابر نیت واقف منافع و درآمد حاصل از موقوفه را به مصرف رساند. (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۱۵)

۵- مبانی فقهی استقلال نهاد وقف

مهم‌ترین و معتبرترین مستند فقهی «استقلال وقف»، قاعده «الوقوف علی حسب ما یقفها اهلهما» است که از قواعد مسلم در فقه شیعه شمرده می‌شود. بر اساس این قاعده، هیچ کس حق ندارد برخلاف نظر واقف دخالتی در وقف داشته باشد. (بجنوردی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۲۳۱) اصل استقلال وقف به عنوان اصل اولی مورد پذیرش اکثر علما و فقها قرار گرفته است. اما آنچه قابل بحث در این بخش است اختیارات حکومت اسلامی در نظارت بر اوقاف و اداره آن‌ها است که به ویژه امروزه با توجه به گسترش امور عمومی و نقش سرپرستی دولت‌ها در امور اجتماعی و از طرفی وجود حکومت اسلامی قابل توجه و بررسی می‌باشد. اختیارات حکومت اسلامی در نظارت بر اوقاف و اداره آن‌ها، در دو بخش قابل بررسی است: اوقاف بدون متولی منصوص و دیگری اوقاف دارای متولی منصوص.

۱-۵. اوقاف بدون متولی

در شرایطی که وقف دارای متولی نباشد، اداره وقف به حاکم اسلامی محول می‌شود، تا وی مستقیماً و یا توسط افرادی که تعیین می‌کند به تدبیر موقوفه بپردازد. در این موارد چون وقف بدون متولی در معرض ضایع شدن است و اغراض واقف و حقوق موقوف علیهم از بین می‌رود، لذا حاکم اسلامی موظف است که این کار به زمین مانده و ضروری را متکفل شود. دخالت حاکم در چنین مواردی، از باب «حسبه» است. و فقها بر اساس مبانی مختلف، این دخالت را مجاز می‌دانند. (سروش محلاتی، ۱۳۸۷: ۲۵۳)

۲-۵. اوقاف دارای متولی

اصل اولی در خصوص اوقافی که دارای متولی منصوص هستند آن است که توسط وی اداره شوند، و برای دخالت و نظارت حاکم نیاز به دلیل خاص می‌باشد. در فقه قاعده‌ای وجود

دارد که می‌گوید: «ولایت خاصه، اقوی از ولایت عامه است»^۱ و لذا ولایت حاکم که از باب حربه^۲ است نمی‌تواند بر ولایت ولی خاص مقدم گردد. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱: ۴۲) از طرفی برخی از فقها وقف عام را فاقد شخصیت حقوقی دانسته‌اند و بر همین اساس دخالت حاکم را به نمایندگی از عموم مسلمین در نظر گرفته‌اند. (محمد حسن النجفی، بی‌تا، ج ۲۸: ۸۵) در حالی که در دوره معاصر که «شخصیت حقوقی» وقف مورد تأیید واقع شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۶۲-۶۵) این امکان وجود دارد که شخصیت حقوقی وقف عام، از استقلال برخوردار بوده، و متولی آن نیز از سوی واقف تعیین گردد و نیازی به نمایندگی حاکم نیست.

به اعتقاد برخی فقها اساساً اداره وقف از شؤون حکومت، و حتی از شؤون «ولایت سیاسی» امام معصوم هم نیست. به گونه‌ای که امام بر اساس «ولایت معنوی» خود می‌تواند در هر چه که بخواهد تصرف کند، ولی منصب امامت و حکومت امام، اقتضای چنین اختیاری ندارد. (محمد حسین اصفهانی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۳۰) امام خمینی (ره) این نظر را مورد نقد قرار داده‌اند، و با این استدلال که وقف عام، یکی از «مصالح مسلمین» است و حاکم اسلامی باید از مصالح مسلمین، حفاظت کند به آن پاسخ داده‌اند، ولی امام خمینی (ره) هم پذیرفته‌اند که تا وقتی متولی منصوص از طرف واقف، وجود دارد و تدبیر وقف و تأمین مصالح مسلمین توسط او امکان پذیر است، نوبت به دخالت حاکم نمی‌رسد. (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۱۶ - ۲۱۷)

بنابر مطالب پیش گفته آنچه از مجموع نظرات حاصل می‌آید آن است که اصل اولی بر استقلال نهاد وقف است مگر در موقوفات بدون متولی یا موقوفات دارای متولی که رعایت مصالح موقوفه را ندارد یا امکان آن وجود ندارد، که در این حالات اداره موقوفات از اختیارات حاکم اسلامی است و دولت اسلامی در آنها دخالت یا نظارت می‌کند.

۶- وقف در نظام حقوقی ایران

در این بخش لازم است مبتنی بر نظرات فقهی و حقوقی پیش گفته به فرآیند قانونگذاری و ساختار اداره اوقاف در ایران و همچنین بحث مهم استقلال نهاد وقف در نظام حقوقی کشور بپردازیم.

۱. الولاية الخاصة اقوى من الولاية العامة، مثال ذلك ولاية الولي على الصغير... و مثل ذلك ولي الوقف فانه مقدم على من لهم الولاية العامة.

۲. ولایت حاکم در مواردی که شخص خاصی برای انجام کار ضروری، تعیین نشده باشد.

۱-۶. قانونگذاری و سازمان اداری وقف در ایران

به تبع وجود احکام فقهی فراوان وقف و سابقه طولانی آن در کشور، وقف در نظام حقوقی ایران و قوانین و سازمان های اداری وارد شده است؛ به گونه ای که ماده ۵۵ قانون مدنی آن را اینگونه تعریف می نماید: «وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.» و مواد متعددی را به بیان جوانب حقوقی آن اختصاص می دهد. همچنین بند ۷ الحاقی به ماده یک «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» نیز مقرر می دارد: «اثلاث باقیه، محبوسات، نذور، صدقات و هر مال دیگری که به غیر از وقف برای امور عام المنفعه و خیریه اختصاص یافته در حکم موقوفات عامه است و چنانچه فاقد متولی و متصدی باشد با اذن ولی فقیه تحت اداره و نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه قرار خواهد گرفت.»

با تشکیل دولت مدرن در ایران و تقویت آن، سامان دهی به وضعیت ادارات، سازمان ها و وزارتخانه ها در دستور کار قرار گرفت که از جمله آنها اداره اوقاف بود. این اداره از ادارات تابع وزارت فرهنگ بود. طبق قانون دی ماه ۱۳۱۳ مدیریت موقوفات مجهول التولیه و بلا متولی و نظارت بر کلیه موقوفات عامه که درآمد آنها برای مصارف عام المنفعه تخصیص یافته، بر عهده این اداره بود (معین، ۱۳۸۱ ج ۵: ۱۹۸-۱۹۹)

در سال ۱۳۴۵ کنار سازمان اوقاف نهادی به نام شورای عالی اوقاف به وجود آمد. این شورا نقش ستاد هماهنگی بین نهادها و قوای مختلف را داشت. شورای عالی اوقاف پس از پیروزی انقلاب اسلامی با مصوبه شورای انقلاب به «شورای مرکزی اوقاف» که در حد شورای مدیران سازمان بود تنزل و تغییر نام یافت و مقرر گردید امور مربوطه زیر نظر نمایندگان امام خمینی (ره) تمشیت شود. (نظامزاده، ۱۳۷۸: ۱۵۸) در سال ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی قانون "تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه" را مورد تجدید نظر قرار داد و وظایف قانونی این سازمان به این شرح در قانون مزبور درج شد:

- اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه (اولادی) در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحقه یا رفع اختلاف موقوفه علیه متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد.
- اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها داده نشده است.

- اداره امور مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که از طرف دولت یا مراجع ذی صلاح به سازمان محول شده یا بشود.
- کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی از محل موقوفات مربوطه. (قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۳/۱۰/۲)^۱

۶-۲. استقلال وقف در جمهوری اسلامی ایران

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، قوانینی در ایران وجود داشت که به دولت اجازه می‌داد تا بر اوقاف عام، «نظارت کامل» داشته باشد. مثلاً پس از مشروطه، در قانون ۱۳۱۳ اوقاف، «نظارت کامل» بر موقوفات عامه مطرح شده بود که به «نظارت استصوابی» تفسیر می‌گردید.^۲ با استقرار نظام جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ به بررسی و تصویب «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» پرداخت، و موضوع نظارت و دخالت دولت در موقوفات، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفت. در مصوبه مجلس شورای اسلامی اختیارات زیادی برای دخالت سازمان در امور موقوفات در نظر گرفته شده بود، و البته این اختیارات شامل اوقاف منصوص التولیه نیز می‌گردید. در این قانون عیناً همان اختیاراتی که قبل از انقلاب برای سازمان اوقاف وجود داشت، مجدداً مورد تأکید قرار گرفته بود. ولی شورای نگهبان هیچ یک از این موارد را تأیید نکرد و آن‌ها را خلاف شرع دانست. (مهرپور، ۱۳۷۱: ۱۴۹)

با ایراد شورای نگهبان و اصلاح این قانون، از آسیب دیدن استقلال نهاد وقف و از سلطه مطلق سازمان اوقاف بر این نهاد جلوگیری شد. البته در همان زمان، حضرت امام خمینی (ره) نیز با فتاوی خود، از هرگونه دخل و تصرف در اوقاف، جلوگیری می‌کرد و در برابر رویه‌های غلطی که احیاناً وجود داشت و تحت عنوان «مصلحت» درصدد توجیه تغییر در اوقاف بود، مقاومت می‌کردند و همچنین رویه مقام معظم رهبری نیز همین‌گونه بوده است.^۳

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90992>

۲. رک: امامی، سید حسن (۱۳۹۰) حقوق مدنی، ج ۱، انتشارات اسلامی، تهران، ص ۸۶

۳. مثلاً در زمان جنگ تحمیلی از اما خمینی (ره) استفتا شد که «مبلغی از موقوفات از بابت زیارت عتبات عالیات در اختیار حقیر است و اداره اوقاف طبق دستور سازمان اوقاف نوشته است که به حساب جنگ زندگان واریز کنید، آیا اجازه می‌فرمائید؟» و حضرت امام (ره) در پاسخ خود درخواست سازمان اوقاف را تخطئه نموده و فرمودند: «عواید وقف باید در همان جهتی که در وقف تعیین شده به مصرف برسد، و اگر در حال حاضر

آنچه از این بررسی کوتاه نتیجه می‌شود آنکه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز اصل استقلال نهاد وقف با امکان ورود حکومت اسلامی در شرایط خاص مورد توجه قرار گرفته است.

جمع بندی

نهاد وقف یکی از نهادهای مهم حقوقی است که دارای ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابل توجهی نیز می‌باشد. از طرفی اصالت ابعاد معنوی و خیرخواهانه در آن به گونه ای است که تبیین و تحلیل حقوقی آن را به ویژه در دوره معاصر که مرز میان امور خصوصی و عمومی در نظام‌های حقوقی و اداره کشورها تا حد زیادی در هم تنیده شده است، دشوار می‌سازد. گستردگی موقوفات از یک سو و حساسیت‌های فقهی و قانونی در این خصوص از سوی دیگر همواره موجب جلب توجه نظام‌های حکومتی و دخالت آنها در این خصوص بوده تا با استفاده از عواید آن بتوان خدمات بهتری به جامعه ارائه نمود.

برای کارآمدی نهاد وقف و شکوفایی بیشتر آن لازم است اولاً مفاهیم و وجوه مختلف آن مورد شناسایی مداوم قرار گیرد و در هر دوره ای کاربردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن تبیین و شناسانده شوند و ثانیاً مرزهای حقوقی و فقهی آن با نگاه به مفاهیم حقوق عمومی و فقه حکومتی مورد توجه قرار گیرد، تا علاوه بر حفظ استقلال نهاد وقف،

امکان صرف نیست، صبر کنید تا در آینده امکان صرف در جهت وقف حاصل شود» (امام خمینی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۵۱) از مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز پاره‌ای استفتاءات وجود دارد که با صراحت از استقلال وقف حمایت شده، و توجهاتی که برای دخل و تصرف در موقوفات از سوی سازمان‌های دولتی ذکر می‌شود، تخطئه گردیده است. مثلاً کارشناس سازمان برنامه و بودجه از ایشان سؤال کرده است: در ادوار مختلف موقوفاتی با توجه به شرایط زمان و مکان، توسط مؤمنین انشاء و به مرحله اجرا درآمده است، لیکن در حال حاضر کاربرد برخی از آنها با شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی جامعه هماهنگی نداشته و بعضاً متداول نمی‌باشد، آیا می‌توان با توجه به «شرایط روز»، و در جهت «مصلح دولت» و امت اسلامی، و با ملحوظ نگهداشتن نیت اصلی واقف، و در جهت «هماهنگی» با سایر «برنامه‌های مدون و جاری دولت»، در کاربرد نظرات واقف تغییراتی به عمل آورد؟ پاسخ مقام معظم رهبری چنین است: «الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها. عواید وقف باید زیر نظر متولی شرعی، و با نبود متولی خاص، زیر نظر حاکم شرعی، در جهت وقف صرف شود، و زمان و مکان و مصالح دولت و ملت، در آن اثر ندارد، و نباید تغییر داده شود.» (مجموعه قوانین و مقررات اوقافی، ۱۳۸۵: ۲۲۳)

کارآمدی آن در جهت پیشبرد اهداف متعالی جامعه و حکومت اسلامی تضمین گردد. از این رو مقاله حاضر سعی نموده تا با تبیین مفهوم وقف و مفاهیم مشابه آن از جهات گوناگون تاریخی، فقهی و حقوقی و سپس تحلیل نوع ارتباط آن با نهاد حکومت به ویژه در راستای اثبات اصل استقلال اولیه وقف، به مسأله محوری خود یعنی جایگاه وقف در نظام حقوق اسلامی و نسبت آن با حکومت اسلامی بپردازد.

در نهایت گفتنی است که از جمله الزامات غیر قابل چشم‌پوشی در تبیین نظام حقوقی وقف به ویژه با رویکرد به حقوق عمومی و فقه حکومتی، جهت دهی به ابعاد گوناگون وقف و تبیین شفاف قواعد و مقررات آن است، به ویژه تبیین نسبت نهاد وقف با حکومت اسلامی و اختیارات آن، که در این نوشتار سعی بر ارائه تحلیلی در این خصوص بود. در نهایت ایده اصلی، حفظ تعادل در جنبه فردی و اجتماعی وقف یا همان جنبه خصوصی و عمومی آن است که با فرهنگ سازی و افزایش آگاهی عمومی نسبت به وقف و کاربردهای آن در جامعه از یک سو و تلاش برای تنفیج قوانین و مقررات از سوی دیگر قابل دستیابی می‌باشد.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. حائری یزدی، محمد حسن (۱۳۹۱) «وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی»، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۲. مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی (۱۳۸۷) انتشارات اسوه، تهران
۳. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰) نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد مقدس
۴. عبدالحلیم عمر، محمد (۱۳۸۹)، نظام وقف اسلامی و نهادهای مشابه در جهان غرب، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۶۹

منابع

۱. آجرلو، اسماعیل- کوشکی، محمد صادق (۱۳۸۷) وقف نماد رشد انسانی، مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی، انتشارات اسوه، تهران.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰ ق) لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت.
۳. اسماعیل زاده، عباس (۱۳۸۷) فرهنگ وقف، نشر بنیادهای پژوهشی اسلامی، تهران.
۴. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹) تحریر الوسیله ج ۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) تهران
۵. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۲) استفتاءات ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم
۶. امام خمینی، روح الله (۱۴۱۰ ق) کتاب البیع ج ۳، مؤسسه اسماعیلیان، قم
۷. امامی، سید حسن (۱۳۹۰) حقوق مدنی، ج ۱، انتشارات اسلامی، تهران.
۸. دورانت، ویل (۱۳۹۰) تاریخ تمدن، ج ۷، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۹. سروش محلاتی (۱۳۸۷) استقلال وقف و قلمرو نظارت دولت، کتاب مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی، انتشارات اسوه، تهران.
۱۰. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰) نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد مقدس.
۱۱. شهبازی، محمد حسین (۱۳۹۳) مبانی لزوم و جواز اعمال حقوقی، نشر میزان، تهران.
۱۲. السید محمد سعید الحکیم (۱۴۱۵) منهاج الصالحین، دار الصفوة، بیروت
۱۳. سید عبدالاعلی سبزواری (۱۳۸۸) مذهب الاحکام، دارالتفسیر، قم
۱۴. الشهيد الأول، محمد مکی (۱۴۱۲) الدروس، مؤسسه النشر الإسلامی، قم
۱۵. الشهيد الثاني (بی تا) مسالک الأفهام جلد: ۵، دار الهدی، قم
۱۶. شیخ طوسی (بی تا) المبسوط، ج ۳، کتاب الوقف، چاپ تهران، تهران.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، (بی تا) تفسیر المیزان، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۸. العلامة الحلی، (۱۴۲۰ ق) تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، گردآورنده: سبحانی تبریزی، جعفر موسسه الامام الصادق (ع) جلد: ۳، قم
۱۹. کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۳۵۹) تحریر المجله، ج ۱، مکتبه النجاش، قم

۲۰. الکبسی، محمد (بی تا) احکام وقف در شریعت اسلام، ترجمه صادقی گلدر، سازمان حج و اوقاف، چاپ اول، تهران.
۲۱. الماوردی، ابوالحسن (۱۹۶۸) الاحکام السلطانیة، دارالتبع، بیروت.
۲۲. مجموعه قوانین و مقررات اوقافی (۱۳۸۵) انتشارات آگاه، تهران.
۲۳. المحقق الحلّی، (بی تا) المختصر النافع، نشر سیدالشهدا، قم
۲۴. المحقق السبزواری (۱۴۲۳ق) کفایة الأحکام، جلد ۲: محقق: واعظی اراکی، مرتضی، مؤسسه النشر الإسلامی، قم
۲۵. محمدحسن بن باقر (صاحب جواهر) (بی تا)، جواهر الکلام، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۶. محمدحسین، اصفهانی (۱۳۶۳) حاشیه بر مکاسب، مجمع الذخائر الاسلامیه، قم
۲۷. مصری، حسنی (۱۹۸۵) فکره الترت و عقد الاستثمار المشترك فی القيم المنقولہ، ناشر مولف.
۲۸. معین، محمد (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، انتشارات سرایش، تهران.
۲۹. مهرپور، حسین (۱۳۷۱) مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۲، انتشارات کیهان، تهران.
۳۰. میرزا حسن بجنوردی (۱۳۷۲) القواعد الفقہیہ، ج ۴، نشر میعاد، چاپ دوم، تهران
۳۱. نجم الدین الطرسوسی (بی تا) الوسائل فی تجرید المسائل (الطرسوسیہ) بیروت.

نشریات

۱. امیدانی، سید حسین (۱۳۷۴) گنجینه اسناد، بهار و تابستان ۱۳۷۴، شماره ۱۷ و ۱۸، صص ۹۸-۱۰۳
۲. بزرگی، مهدی (۱۳۷۲) راههای ترویج فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات جدید در جامعه، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۲.
۳. عبدالحلیم عمر، محمد (۱۳۸۹) نظام وقف اسلامی و نهادهای مشابه در جهان غرب، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۶۹
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲) سیری در پیدایش شخصیت حقوقی وقف در کلام فقها، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۱
۵. نظامزاده، محمدعلی (۱۳۷۸) تجربیات جمهوری اسلامی ایران در زمینه وقف، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۲۷

منابع اینترنتی

1. [http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%AD%D8%A8%D8%B3_\(%D9%88%D9%82%D9%81_\)](http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index.php/%D8%AD%D8%A8%D8%B3_(%D9%88%D9%82%D9%81_))
2. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90992> مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir